

باور کردنی نبود. حمله آمریکا به عراق را نمی‌گویم. بسیاری انتظار آن را داشتند و ناپاوران که منافع سوداگران مرگ و سازندگان سلاح‌های مرگبار، کمپانی‌های نفتی و بانک‌های بزرگ جهانی را دست کم گرفته بودند و یا کسانی که ساده دلانه بیشتر از آنچه که باید به نقش سازمان ملل، عقل و خرد سیاستمداران عراق و غرب و تشنج زدایی دل بسته بودند، نیز در همان روزی که عراق برای پلعبیدن کویت، کشور کوچک و متحد سابق خود را اشغال کرد و یا دیرتر با حمله هواپیماهای بی‌شماری که در همان ساعت‌های اولیه جنگ بیش از قدرت تخریبی بمب اتمی هیروشیما مرگ و خون و ویرانی بر عراق فرود ریختند، باور کردند که در دهه‌های پایانی قرن بیستم و در آستانه گذار به دنیایی که کامپیوترها عقل بشری را در توان بی‌نهایت ضرب می‌کنند، هنوز هم گاه که پیش آید حرف آخر را قدرت آتش خواهد زد.

باور کردنی نبود، حمله به عراق را نمی‌گویم. جنگ افروزی یا مقاومت عراق و دیوانگی کسانی که چنان بر سودهای خود پای می‌نشانند تا تمامی توان ملتی را بر باد دهند را نیز نمی‌گویم. حتی از تجربه مهمی نیز نمی‌گویم که در مقاومت چند روزه عراق شاهد آن بودیم. مگر نه آنکه این باور را ساخته بودند که اگر غرب با حمایت شرق بخواهد یکی از کشورهای جهان سومی را نابود کنند بیش از چند دقیقه یا ساعت به زمان احتیاج ندارند و دیدیم و باور کردیم که می‌توان مقاومت کرد حتی آنگاه که پای تکنولوژی پیش آید. و حمله به اسرائیل را نیز نمی‌گویم که پس از سالیانی دراز زورگویی، آنها نیز طعم جنگ را چشیدند و هول انفجار موشک‌ها را در شهرهای امن خود تجربه کردند. شاید می‌شد که همه آنچه را که رخ داد در خیال دید و چشم انتظار آن بود. اما آنچه که باور کردنی نبود، آنچه را که باید از این پس باور کنیم و چاره‌ای برای آن بیندیشیم یکی از ابعاد بحران بود. بعدی که ما را و جهان را باید که تکان دهد: سانسور در سطح جهانی، اعمال دیکتاتوری خبری در مورد مهمترین حادثه روز، نه در یک کشسور و یا نه به دست این یا آن خبرگزاری که در تمامی این کره خاکی و در برابر چشم همه مردم نگران و مشتاق شنیدن اخبار، دیکتاتوری و سانسور جهانی به دست کسانی که بیش از همه سنگ آزادی را به سینه می‌زنند و بیش از همه ظاهری دموکرات و آزاد دارند! می‌شد باور کرد که این یا آن مجله، این یا آن خبرگزاری، این یا آن دولت یا ژنرال اخبار را سانسور کنند اما چگونه می‌توان باور کرد که ناگهان همه تلکس‌های خبرگزاری‌ها، رادپوها، تلویزیون‌ها، چشم همه عکاس‌ها و فیلم بردارها، کنترل شود و جهان از شنیدن و دیدن آنچه که می‌گذرد محروم.

انسانی که به کار فرهنگی مشغول است به

ائتلاف انحصارات خبری علیه آگاهی ملت‌ها

کلمات به گوش و چشم جهانیان می‌رسانند، عضوی از یک تن واحدند، دستکم از آن روی که اعضای حرفه‌ای هستند که با تولید و پخش خبر سروکار دارد. کسب خبر و انتشار آن یعنی اطلاع رسانی، یعنی خبر دادن از جهان زنده، بدانگونه که هست. آدمیان، بویژه در جهان امروز که کوچکترین حادثه‌ای در دورترین سکان‌ها می‌تواند بر زندگی اقتصادی سیاسی و اجتماعی آنان اثر نهد، نیازمند آگاهی و دانستن همه هر آنچه هستند که در جهان می‌گذرد. آنان نیازمند اخبار و اطلاعات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... هستند تا بتوانند با سنجش داده‌های دستگاههای خبری، آزادانه بیاندیشند و گام‌های آگاهانه بردارند و سمت و سوی زندگی فردی، اجتماعی و اقتصادی خود را با تحلیل داده‌های بی‌طرفانه شکل دهند. شبکه جهانی خبر، از خبرنگار ساده یک مجله کوچک تا خبرنگاران خبرگزاری‌های بزرگ جهانی، چشم و گوش مخاطبان خود هستند. در دنیای پیچیده و تنگاتنگ ما، مردم باید که تا آنجا که امکان دارد، بر آنچه رخ می‌دهد آگاهی داشته باشند و خبر در واقع جز تهیه داده‌های بی‌طرفانه و گزارش رخ داده‌ها نیست.

اما این یک سوی ماجرا است که حرفه‌ای جذاب را تصویر می‌کند. سوی دیگر ماجرا، اما، پشت صحنه‌ای دردناک است. مخاطبان خبر، یعنی به تقریب تمامی جهانیان، چشم آن دارند که «خبرنگار» و «دستگاههای خبری» چون چشم و گوش بیدار آنان، عمل کنند. خبرنگاران به ضرورت حرفه خود و از سوی مخاطبان خود باید که در زمان «حادثه» حضور یابند. با بی‌طرفی تمامی چشم‌انداز را با چشم حرفه‌ای بنگرند. بدون سانسور خبر را منتقل کنند. عکس بگیرند. فیلم برداری کنند. اما همه می‌دانند که چنین نیست. از همان آغاز حتی در کشورهای به اصطلاح دموکراتیک غربی، صدها مانع و رادع در پیش می‌آید. ژنرالی می‌تواند صحنه را محدود کند، هر قدر قدرتی می‌تواند چشم‌انداز را تنگ.

و البته این تمامی ماجرا نیست. گبیرم که خبرنگاری از سدها گذشت. تن به خطر داد. در خط مقدم جبهه یا در شهری چون بغداد، زیر آوار بمب‌ها و موشک‌های مدرن مقاومت کرد. آن سوی خط شبکه‌های خبرگزاری هستند با امکانات اقتصادی بی‌شمار که به عنوان کار فرمای خبرنگاران دنیا، به عنوان دارندگان حق انحصاری تنظیم و پخش خبر، افکار عمومی را می‌سازند. خبرگزاری‌ها یا دولتی‌اند و بناگزییر تابع سیاست‌های دولتهای متبوع خود و یا در اختیار بخش خصوصی و سرمایه‌دارانی که سرنخ را به دست دارند. در عصر ما دو پدیده مهم در تعارضی چشم‌گیر با یکدیگر ستیز کرده‌اند. از سویی، افکار عمومی و خواست مردمان و کشورهای مستقل جهان سومی که خواستار

ندرت پیش می‌آید که از حرفه خود شرمسار شود. در تاریخ پر از خسرون و درد و اشک آدمی، نویسندگان، خبرنگاران، گریچه که گاه در خدمت آرمان‌ها یا دولت‌های خود کوره مرگ و کشتار را دمیده‌اند، اما هرگز سبب ساز جنگ و ویرانی نبوده‌اند. اگر کسانی باید که از جنگ‌های ستمگرانه شرمسار باشند نه خبرنگاران و نویسندگان، که قدرقندانی هستند که به سوادی پاسداری از قدرت و مکتب و سود خود. جنگ‌ها را سبب ساز می‌شوند و توان اقتصادی و اجتماعی ملت خود را می‌فرسایند. نه. جنگ آنها جنگی از آن گونه که در کنار گوش ما، در مرزهای ما جریان دارد، هر نتیجه‌ای که داشته باشد دل کسی را شاد نخواهد کرد جز آنان که آن را برافروخته‌اند و به آن دامن می‌زنند. آنکه با نوشتن و خبر سروکار دارد به شکوفایی جوامع و آدمیان دل بسته است. متاع او، اندیشه و تعقل و خرد و فرهنگ است و نه ویرانی و مصیبت، متاعی که در صلح و آرامش و رشد و توسعه خریدارانی در خور می‌یابد. در آنچه که رخ داده است، در اشغال کویت، جنگ آمریکا علیه عراق جایی برای شرمساری اهل مطبوعات نیست گرچه که آن سانسور خبری همه ما را شرمسار کرد.

هر کس که با مطبوعات سروکار دارد، خواسته یا ناخواسته، عضوی است از یک شبکه جهانی. شبکه گسترده خبر و خبرگزاری. از آن عکاس، فیلم بردار و خبرنگاری که در جبهه‌ها تن به خطر می‌دهد تا آنان که خبر را با تصویر، صدا و



خبررسانی آزادانه و بی طرفانه هستند تا از عقل و خرد خود در برابر انحصار جهانی خبر و اطلاع پاسداری کنند. فشارها و مبارزات بسیاری سرانجام دستکم در حوزه نظری، امنیت خبرنگاران، حق خبرنگاران یعنی حق مردم بر دانستن خبر را تثبیت کرده است. آن سوی ماجرا پیچیدگی دستگاههای خبری و پیشرفت تکنولوژی است که سرمایه بسیار طلب می کند.

شبهههایی که از توان مالی و تکنولوژی بالایی برخوردار بوده اند دیگران را از میدان به در کرده اند. خبر، یعنی مهم ترین وسیله اندیشیدن به زندگی، در دست عده ای محدود انحصاری شد. چند خبرگزاری بزرگ، دولتی یا خصوصی اندیشه آدمیان را در حلقه محدود خود در بند کشیدند. انحصار خبری شاید که یکی از مهم ترین ویژگی های عصری باشد که رسانه های گروهی تاثیر و گسترش روزافزونی دارند و جهانیان دلبسته و مشتاق آگاهی آزادانه بر رخدادهای هستند. و ماجرا دردناک تر می شود اگر به این حقیقت توجه کنیم که مالکیت، اداره و سیاست گذاری همین چند خبرگزاری بزرگ جهانی را صهیونیست ها در دست دارند. سازمان یونسکو سالهاست که با فشار کشورهای کوچک و مستقل جهان سوم، می کوشد تا انحصار خبری ابرقدرت ها و خبرگزاری های محدود غربی را محدود کند. کشورهای جهان سوم نیز مدت ها است برآند تا با اتحاد با یکدیگر بتوانند با انحصار خبری در جهان به مقابله برخیزند. آنچه که پیش آمد، آنچه که در جریان جنگ آمریکا علیه عراق رخ داد، شاید که هشدار باشد و زنگ ها را با صدای بیشتری به صدا در آورد.

این همه اما برای يك خبرنگار، برای کسی که به کار خبر و خبررسانی و به حرفه خود عشق می ورزد مایه شرمساری نیست. اگر انحصار خبری وجود داشت. اگر غرب با خبرگزاری های خود و شرق با دیکتاتوری مستقیم خود، هر جا که می خواست، سکوت می کرد، جعل می کرد و... اما همواره راهی می شد یافت تا در سد انحصار شکاف پدیدآورد. در همه ماجراهای بزرگ این قرن همواره خبرنگارانی بوده اند که جان بر سر آن رسالت شیرین گذاشته اند و از حق مردمان بر آگاهی از رخدادهای دفاع کرده اند. انحصارهای بزرگ خبری هرگز نتوانسته بودند که دیکتاتوری و سلطه خود را بدون شکاف، گسترش دهند. گاه منافع آنان با یکدیگر در تضاد بوده است، گاه واحدهای کوچک ترخبری، تن به سیاست های آنان نداده اند، گاه حتی يك مجله کوچک و گمنام، بازی انحصار را از آن راهی که قدرت های بزرگ خبری خواسته اند به سوی دیگری کشانده است. باورکردنی نبود که همگان سکوت کنند.

این بار اما رخ داد. در یکی از بزرگ ترین و بحرانی ترین ماجراهای قرن و نه تنها رخ داد که رسماً هم اعلام شد. جز یکی دو خبرگزاری، از

جمله خبرگزاری جمهوری اسلامی و رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی - ائتلافی بزرگ شکل گرفت تا جهانیان از آنچه که رخ می داد بی خبر بمانند یا فقط آن بدانند که «پنتاگون» می خواست و از صافی «سیا» گذشته بود و این بار نه با زور و تهدید و مرگ و ... که ظاهراً بر اساس توافق تمامی دستگاههای خبرگزاری بزرگ دنیا. و نه در يك یا چند کشور که در تمامی دنیا. برای همه کسانی که عضوی از شبکه بزرگ جهانی «خبر» هستند. این می تواند مایه شرمساری باشد که درست همانجا که باید در همان لحظه ای که جهان مشتاق شنیدن است، در همان زمانی که مخاطبان آنها حق دارند که بدانند، سکوت، سانسور اعلان شده، همه جانبه و یکدست اعمال شد.

آن دستگاههای خبری که اجازه داده اند سران پنتاگون یا فرماندهان ارتش عراق قیسومیت آگاهی مردمان جهان را بر عهده گیرند، پدر سالارانه حکم کنند که چه را باید دانست و از چه باید بی اطلاع ماند، به هر دلیلی که حرکت خود را توجیه کنند، شرافت و امانت حرفه خود را بر سر بازارهای سوداگران و دیکتاتورهای جهانی بر باد داده اند. خبرگزاری و رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی این سد را شکست، تا آنجا که توانست در توان بی طرفانه، اخبار هر دو طرف را در اختیار مردم گذاشت و هر بار نیز تاکید کرد که اخبار واصله از غرب از سانسور مراجع غربی گذشته است. سانسور تا آنجا که به این یا آن

دولت، این یا آن دستگاه خبرگزاری محدود می شد. پدیده ای آشنا است. اما چگونه باور کنیم که می توان تمامی دنیا را در سکوت خبری فرو برد و صدایی به اعتراض برنخیزد. چه کسی به ژنرال های هر دو طرف حق داده است که مردم جهان را از اخبار عادی - و نه محرمانه - بی خبر نگاه دارند چه کسی وکالت تام الاختیار عقل و خرد خود را به پنتاگون واگذار کرده است؟

باورکردنی نبود اما مایه شرمساری هست برای هر کسی که دست اندرکار تولید و پخش اخبار جهانی است. و مگر نبود که همین دستگاههای خبرگزاری، همین دولت های سانسورکننده، زمانی که پای منافعشان در میان آید، سنگ آزادی را بر سینه می زنند و حتی مدعی اطلاع و آگاهی بر اسرار محرمانه دولت ها می شوند. اکنون، که سوداگران جهانی می خواهند، مادران آمریکایی باید از سرنوشت فرزندان خود بی خبر بمانند و مردم عراق نباید بدانند که در کشورشان چه می گذرد.

جنگ هرگز مایه شادمانی نیست اما آنان که آن را به راه می اندازند باید که شرمسار مرگ و ویرانی باشند که سبب ساز آتند. سکوت خبری، اعمال سانسور جهانی اما؛ مایه شرمساری است و هشدار برای برای همه کسانی که هنوز گمان می کنند که خبرنگاران در جهان ما چشم و گوش امین مردمان هستند و آدمیان حق دارند که از آنچه که رخ می دهد و با سرنوشت آنان پیوند دارد آگاهی داشته باشند.

خواننده نکته سنج و گرامی آنچه را که تحت عنوان نیامده بود مطالعه می کنید نه اخبار محرمانه و طبقه بندی شده است و نه به قصد شوخی یا بی احترامی به کسی نگاشته ایم. بسیاری از این اخبار در نشریات یومیه و از زبان مقامات منتشر شده است و همکاران ما با تماس یا تحقیق آنرا کاملتر کرده اند، امیدواریم با خواندن این صفحه شما هم به عنوان یک همکار، مطالب، گزارشات و اخبار مستند را به آدرس مجله ارسال دارید تا پس از بررسی مورد استفاده قرار گیرد.

در خبرها نیامده بود که: کارمندان دولت مامور پرداخت سوسیدهای حذف شده به شهرداری ها و تاکسی ها و ... بی ها هستند و به همین جهت علی الحساب ۲ هزار تومان به حقوق کارمندان اضافه شده تا رانندگان تاکسی و البته مغازه دارانی که مالیات سنگینی می دهند احساس ناراحتی نکنند.

در خبرها نیامده بود که: مجله گزارش همکار استخاری از میان تمام اқشار می پذیرد، نویسنده، خبرنگار، گزارشگر، تحلیل گر و ...

در خبرها نیامده بود که: حدود ۴۰۰ کارشناس یا مهندس ایتالیایی که روزانه کمتر یا بیشتر از ۴۰۰ هزار دلار دستمزد می گیرند چنانچه مرفق نشوند تعهدات خود را تا پایان سال ۱۳۷۰ به انجام برسانند چه جریمه ای باید پردازند، احتمالاً پس از پایان قرار داد به دستور وزیر محترم معادن آنها اخراج می شوند تا کارشناسان ژاپنی بیایند. زنگ میزنند، ببینم کیه؟

در خبرها نیامده بود که: ارز ترمینالی هم با تلاش محققین بانک مرکزی به مجموعه ارزهای رفاقتی، صادراتی، رقابتی (رعایتی) و ارز بدون انتقال ارز پیوسته است و البته این ارز، جدای از ارزی است که صادرکنندگان به هنگام واریز

پیمان ارزی از بانک مرکزی به ازاء هر دلار یکصد و چهل و اندی تومان میخرند و فی الحال و در همان محل به بانک مرکزی به مبلغ هر دلار هفت تومان می فروشند. در خبرها نیامده بود که: بنز آلمانی و کرایسلر کاندادی علاقمند به ایجاد کارخانه مونتاژ اتوموبیل در قشم هستند، خدا به داد بازار سید اسماعیل برسد: نبات، هیلمن، بنز، ژیان، ولو، نیسان، پیکان، رنو، مزدا. تازه فقط کره جنوبی کم بود که آنها با جلو افتادن کمپانی DEANOO ENGINE احتمالاً کلکسیون خودروسازی در ایران تکمیل خواهد شد.

در خبرها نیامده بود که: وزیر صنایع سنگین به کسانی که در سال ۱۳۶۳ برای خرید پیکان ثبت نام کرده اند اجازه خواهد داد که در سال ۱۳۷۱ پیکان یا پژو تحویل بگیرند یا خیر؟ سوال دیگر اینکه قیمتها ارزی تعیین می شود یا دلاری؟

در خبرها نیامده بود که: سهام ایران در نفت شمال (انگلیس) چه سرنوشتی پیدا کرده است.

در خبرها نیامده بود که: هیات صنعتی کرپ اخیراً در پیرامون سود سهام ایران در کرپ مذاکره ای داشته است یا تنها در مورد ایجاد امکانات بحث کرده است، راستی انجام تعهدات مالی ایران و ایجاد امکانات از منبع این سردها تامین می شود یا باز هم برای حفظ سهام خود در کرپ باید نفت بفروشیم.

در خبرها نیامده بود که: دانش آموزان ایرانی که با خانواده های خود در خارج از کشور زندگی می کنند هنگامیکه به سن مشمولیت می رسند، از تحصیل در خارج محروم می شوند و ناگزیر از ادامه تحصیل در مدارس فرنگی و تجربه بی رشگی و جدایی بیشتر از فرهنگ مادری، یا ترک تحصیل و عواقب بعدی.

در خبرها نیامده بود که: رشد تولید ناخالص ملی آلمان غربی (البته فعلاً هم غربی، هم شرقی) در نیمه اول سال ۱۹۹۰ معادل ۴ درصد و نرخ رشد جمعیت این کشور چیزی پایین تر از یک درصد بوده است اما در همین مدت نرخ رشد جمعیت و تولید مثل در کشور ما زیانم لالا بین ۴ درصد و در بعضی مناطق احتمالاً تا ۶

درصد، نرخ رشد ناخالص ملی دیگر حدیث ویژه ای دارد.

در خبرها نیامده بود که: بعضی از معلمین اعزامی به خارج که در امتحان روابط قبول می شوند و در مدارس ایرانی خارج از کشور به تحصیل! ببخشید به تدریس می پردازند، به دلیل آشنا نبودن به زبان کشور محل مأموریت خود یا حداقل یک زبان بین المللی، از پاسخگویی به سوالات بچه های زرنگ ایرانی که در محیط خارج با کتاب و مجلات خارجی به دانش خود افزوده اند باز می مانند، در آن صورت سرزنش کردن یا تنبیه دانش آموز مشکلی را حل نمی کند.

در خبرها نیامده بود که: اگر خدای نکرده به جای مدیران کل و مسولانی که برای احیاء کشاورزی کشور و رتق و فتق امور کشتی سازی به خارج می روند، کشاورزان را در هیات تورهای کشاورزی به خارج اعزام کنند و همان حق مأموریت های کذایی مدیران (دلار سبز) را به کشاورزان بدهند آنها در بازگشت تجارب خود را با دانش نوین همراه ساخته مزارع سبز تحویل می دهند. البته اگر برای کشاورزان امتحان زبان و تافل و اینچور چیزها نگذارند.

در خبرها نیامده بود که: در اثر تلاش مسئولان کشاورزی و مسافرت های پیدریغ آنها جهت مطالعه دانش جدید کشاورزی، هم اکنون حدود ۲۰ میلیون ایرانی بصورت ۲۴ ساعته به گندم خارجی (وارداتی) وابسته هستند، البته تعدادی از کشتیهای خارجی هم به دموارژها و سورشارژهای ایران وابسته هستند، این به آن درآ

در خبرها نیامده بود که: تولید جهانی طلا در سال ۹۰-۱۹۸۹ به ۱/۶۵۳/۰۰۰ کیلو رسید و سهم ایران از این مقدار احتمالاً ۱۶۵۳ گرم است.

در خبرها نیامده بود که: وقتی مسئول کشتی سازی کیش آرزو دارد به همین زودی ها کشتی ۴۵ هزار تنی و آنها هم از نوع کانتینریر را در ایران و شاید هم در تهران بسازد و از طریق جاده هراز آنرا به دریای خزر ببرد، رئیس وزارت عمران کیش هم حق دارد اعلام کند در سال آینده کشتی های ۳۰ الی ۴۰ هزار تنی در کیش

در خبرها نیامده بود که ...	در خبرها نیامده بود که ...	در خبرها نیامده بود که ...
در خبرها نیامده بود که ...	در خبرها نیامده بود که ...	در خبرها نیامده بود که ...
در خبرها نیامده بود که ...	در خبرها نیامده بود که ...	در خبرها نیامده بود که ...
در خبرها نیامده بود که ...	در خبرها نیامده بود که ...	در خبرها نیامده بود که ...
در خبرها نیامده بود که ...	در خبرها نیامده بود که ...	در خبرها نیامده بود که ...
در خبرها نیامده بود که ...	در خبرها نیامده بود که ...	در خبرها نیامده بود که ...
در خبرها نیامده بود که ...	در خبرها نیامده بود که ...	در خبرها نیامده بود که ...
در خبرها نیامده بود که ...	در خبرها نیامده بود که ...	در خبرها نیامده بود که ...
در خبرها نیامده بود که ...	در خبرها نیامده بود که ...	در خبرها نیامده بود که ...
در خبرها نیامده بود که ...	در خبرها نیامده بود که ...	در خبرها نیامده بود که ...

پهلوی می‌گیرند، خدا بخیر کند!

در خبرها نیامده بود که: ۲ روزنامه صبح و ۲ روزنامه عصر و یک رسانه دیداری و یک رسانه شنیداری و یک خبرگزاری به دلیل اعتمادی که به هم دارند یا خبرنگارانی که ندارند به صورت تمام وقت از خبرهای یکدیگر استفاده می‌کنند و تازه ۵۰ درصد خبرهای تولید شده مربوط به گذشته است (آنچه اتفاق افتاده) و ۵۰ درصد آن مربوط به آینده است (آنچه در اثر تلاش و کوشش روسا و مدیران و البته بعدها می‌شود که حادث شدن آن قطعیت مسلم ندارد) چند درصد برای خبر واقعی می‌ماند، خدا می‌داند!

در خبرها نیامده بود که: از این پس بانک مرکزی بدون وابستگی به خارج و بدون دخالت اجنبی نرخ دلار را تعیین می‌کند. و با همت کارشناسان داخلی هر دلار را به قیمت دو تومان ارزاتر از بازار به فروش می‌رساند.

در خبرها نیامده بود که: نقشه پل خرمشهر در ارشیو وزارت راه که متولی و مسئول این مهم است وجود نداشت اما این نقشه پس از ۳۰ سال قدمت در آرشیو شرکت انگلیسی سازنده آن وجود داشت و پس از درخواست ایران و به جهت اینکه در حال حاضر آن تکنولوژی و نوع ساخت چنین پلهایی تقریباً در دنیا منسوخ شده است، شرکت یاد شده با گشاده دستی کپی آنرا به مبلغ دو، سه هزار پوند به ایران تقدیم کرده است.

در خبرها نیامده بود که: با پیشنهاد گل آقا در مورد بازگشت وزیر نفت اسبق به پست سابق موافقت نشده، اما اگر می‌شد مسلماً وزیری که توانست در مدت کمتر از ۳ سال بدون وابستگی به خارج و تنها با کمک کارشناسان داخلی هر خط تلفن را از ۱۵ هزار تومان به ۱۱۵ هزار تومان برساند، قدر مسلم می‌توانست هر بشکه نفت ۱۵ دلاری را هم ۱۱۵ دلار بفروشد و تازه دلارها را هم به قیمت هر دلار ۱۴۵ تومان از خارجی‌ها ریال بگیرد!

در خبرها نیامده بود که: به مبحث افتتاح خط لاین و خود کفا شدن در تولید جوجه یکروزه، احتمالاً ۹ میلیون قطعه جوجه یکروزه از خارج خریداری شده یا

می‌شود.

در خبرها نیامده بود که: سرنوشت خط جدیدالتأسیس کشتیرانی ایران به قطر و توره‌های دریایی به قطر به سرنوشت کشتیرانی ایران و مصر و عمر چند روزه تابلوی آن منجر میشود یا به سرنوشت توره‌های دریایی ایران به امارات عربی یا به خط کشتیرانی ایران به بحرین و یا...

در خبرها نیامده بود که: وزارت کشاورزی به وزارت بازرگانی ۱۲۰ هزار تن گوشت سفید مرغ تحویل داده است اما مرکز تهیه و توزیع وزارت بازرگانی فقط ۷۰ هزار تن تحویل گرفته است جالب‌تر هر دو وزارتخانه هم رسید دارند!

در خبرها نیامده بود که: در شهرداری تهران رشوه و ارتشاء جریان دارد، البته قبل از ارسال تکذیب نامه روابط عمومی شهرداری بگویم آفتاب آمد دلیل آفتاب و از این پس برای جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده و ارتشاء اکثر کارهای مردم با شهرداری از طریق پست انجام می‌شود! البته اکثر کارها، نه همه کارها خدا روزی رسان است.

در خبرها نیامده بود که: هوای تهران، شهرستانها، استانها و نقاط کشور در تمام ۲۴ ساعت از ۳۶۵ روز آفتابی یا نیمه آفتابی، ابری یا بارانی و سرد یا گرم است برای صحت آن نمیتوانید به سازمان هواشناسی یا کمتر یا بیشتر از ۱۰۰۰ کارشناس، پیمانکار، محقق و پرسنل مراجعه کنید که سالانه بیش از هزار بار اعلام میکنند: هوای همه شهرها کسی تا قسمتی ابری است کسی تا قسمتی بارانی است، کسی تا قسمتی آفتابی است، کسی تا قسمتی...

در خبرها نیامده بود که: در حالیکه پنبه تولیدی کشاورزان ایرانی در انبارها مانده است وزارت صنایع موافقت کرده یا تصمیم گرفته است که پنجاه، شصت هزار تن ویسکوز (پنبه مصنوعی) به کشور وارد شود تا در زمینه ویسکوز خود کفا شویم.

در خبرها نیامده بود که: احتمالاً ایران در یک نمایشگاه در اوگانادا، کالاهای و محصولات غیر نفتی ایران را جهت افزایش صادرات غیر نفتی به نمایش می‌گذارد. هنگامیکه صادرات به کشورهای عربی یا ۲۰۰ کیلومتر فاصله نمی‌شود یا نمی‌رسد یا مشکلات فراوان دارد، صادرات به کشوری با بیش از ۲۰ هزار کیلومتر فاصله خیلی جرأت می‌خواهد! حتماً حمل و نقل رونقی یافته و یا اینکه هواپیماهای باری هما در آفریقا محموله‌ای برای حمل گبر آورده‌اند

که از این طرف هم کالای ایران را با خود حمل کنند.

در خبرها نیامده بود که: بیماری «کری‌زا» بسیاری از مرغداران را از این صنعت گریز پا کرده است.

در خبرها نیامده بود که: اجرای طرح ساخت حوضچه‌های آب شیرین کن در جزیره قشم معلق مانده است یا...

در خبرها نیامده بود که: به زودی بخشی از ساحل قشم برای اجرای طرح‌های جدید منطقه آزاد تخریب می‌شود. بی‌خبر، مردمی که در این بخش سکونت دارند یا فعالیت می‌کنند.

در خبرها نیامده بود که: مدیران صید سر چشمه منتظر شب عید هستند تا هم ذخیره اندک ماهیان خوش‌خوراک صید کیش تمام شود و هم متقاضی ماهی فراوان، آنوقت...

در خبرها نیامده بود که: ۱۲۰ هزار دلار تنخواه ارزی در اختیار صادرکنندگان میوه و تره‌بار قرار گرفته است، مبارک، به شرط اینکه بهره و کارمزد این تنخواه پانزده، بیست درصد نباشد مهتر اینکه این ارز کجاست؟ چگونه پرداخت می‌شود؟ سیاست استفاده از آن کی اعلام می‌شود؟

در خبرها نیامده بود که: اوایل سال آینده یک نمایشگاه بزرگ ایتالیایی با حضور شرکت‌های مهندسی و صاحبان صنایع کشاورزی، نساجی، سنگ‌بری، تله‌کامپنیکیشن و... از این کشور در اصفهان برگزار می‌شود، چرا در اصفهان، حتماً برای اینکه نصف جهان است. جالبتر اینکه نه اصفهانی‌ها می‌دانند مسئول ایرانی برگزار کننده و متولی و برنامه‌ریز آن کیست، نه ایتالیایی‌ها.

در خبرها نیامده بود که: با وجود کسادی بازار بانکهای ایرانی در امارات عربی متحده (در مقابل بانکهای غیر ایرانی که با دادن اعتبار، وام و... حتی به ایرانی‌ها، تقریباً بیشتر اندوخته تجار ایرانی را جذب کرده‌اند) و بدون داشتن امکانات لازم برای جذب تجار ایرانی و خارجی چگونه بانکهای صادرات در امارات به پیشرفته‌ترین تجهیزات، بیشترین کارمندان با حقوقهای ارزی ریالی مجهز شده‌اند.

در خبرها نیامده بود که: پس از انتشار مجله مرزهای بیکران فضا و اعلام آدرس جدید آن، بشقابهای پرنده و آدمهای فضایی هر شب به این مجله سر می‌زنند تا از اطلاعات و اخبار جدید آن در جهت تکمیل دانش فضایی در مورد سیاره‌های خردشان بهره بگیرند

